



**Paradiplomacy in practice: examining the role of internal (provincial) .agencies of the Ministry of Foreign Affairs in strengthening international relations**

Hossein Hemmati<sup>1</sup>

**Abstract**

The internal agencies of the Ministry of Foreign Affairs are among the executive agents of foreign policy at the provincial level. They play a key role in facilitating international interactions and strengthening paradiplomacy. This research is conducted with the aim of investigating the role and importance of these agencies to realize the goals of internal diplomacy and the development of international relations of the provinces. Here focusing on the concept of paradiplomacy, we will ask how these agencies as a bridge between the central government and the provinces, can facilitate the strengthening of the international interactions of the provinces? Based on the findings of this research, these agencies can play a role in attracting foreign investment, developing business relations, promoting Iranian and Islamic culture and civilization, and solving consular and immigration issues by using local capacities and knowing the potentials of each province be effective. Also these agencies actively participate in the explanation and implementation of foreign policies according to the needs of each province through the creation of extensive communication networks with government organizations, the private sector and civil society at the provincial level. Finally in addition to examining the existing challenges, suggestions are provided to strengthen the role of these agencies. In this article, the qualitative research method (descriptive-analytical type) .has been used and the required data has been collected from various sources, including books, scientific and research articles and other related documents.

**Keywords:** paradiplomacy, internal (provincial) .agencies, international relations, local capacities

---

<sup>1</sup> Ph.D. in Political Thought, Islamic Azad University, Hamadan Branch, Hamadan, Iran.

H.hemmati96@gmail.com



پارادایلماسی در عمل: بررسی نقش نمایندگی‌های داخلی (استانی) وزارت  
امور خارجه در تقویت روابط بین‌المللی

حسین همتی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۰

چکیده

نمایندگی‌های داخلی وزارت امور خارجه به عنوان بازوهای اجرایی سیاست خارجی در سطح استان‌ها، نقشی کلیدی در تسهیل تعاملات بین‌المللی و تقویت پارادایلماسی ایفا می‌کنند. این پژوهش با هدف بررسی نقش و اهمیت این نمایندگی‌ها در تحقق دیپلماسی داخلی و توسعه روابط بین‌المللی استان‌ها صورت گرفته است. با تمرکز بر مفهوم پارادایلماسی، به این پرسش پرداخته شده که این نمایندگی‌ها چگونه به عنوان پل ارتباطی بین دولت مرکزی و استان‌ها می‌توانند به تقویت تعاملات بین‌المللی استان‌ها کمک کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این نمایندگی‌ها با استفاده از ظرفیت‌های محلی و شناخت دقیق از پتانسیل‌های هر استان، می‌توانند در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه روابط تجاری، ترویج فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی و همچنین حل مسائل کنسولی و مهاجرتی نقشی مؤثر داشته باشند. علاوه بر این، این نمایندگی‌ها با ایجاد شبکه‌های ارتباطی گسترده با نهادهای دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی در سطح استان، قادر به مشارکت فعال در تدوین و اجرای سیاست‌های خارجی متناسب با نیازهای هر استان هستند. در پایان، ضمن بررسی چالش‌های موجود، پیشنهادهایی برای تقویت نقش این نمایندگی‌ها ارائه شده است. در این مقاله از روش پژوهش کیفی و نوع توصیفی-تحلیلی استفاده می‌کند. داده‌ها از منابع مختلف شامل کتاب‌ها، مقالات علمی و پژوهشی، و سایر اسناد مرتبط جمع‌آوری شده است.

واژگان کلیدی: پارادایلماسی، نمایندگی‌های داخلی (استانی)، روابط بین‌المللی، ظرفیت‌های محلی

<sup>۱</sup> دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران

## مقدمه

پارادایلماسی، به عنوان رویکردی نوین در عرصه روابط بین‌الملل، در دهه‌های اخیر شاهد رشد چشمگیری بوده است. ریشه‌های تاریخی این مفهوم را می‌توان در تلاش‌های شهرهای-دولت‌های قرون وسطایی برای ایجاد روابط بین‌الملل جستجو کرد. با این حال، اهمیت پارادایلماسی در عصر حاضر با ظهور دولت-ملت‌ها و پیچیدگی روزافزون روابط بین‌المللی به طور قابل توجهی افزایش یافته است.

ظهور بازیگران زیرملی همچون استان‌ها و شهرها و نقش فعال آن‌ها در شکل‌دهی روابط بین‌المللی، مفهوم پارادایلماسی را به عنوان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر در نظام بین‌الملل تثبیت کرده است. در ایران، با توجه به تنوع گسترده فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی استان‌ها، نمایندگی‌های داخلی وزارت امور خارجه به عنوان بازوهای اجرایی دولت در سطح استان‌ها، پتانسیل بالایی برای ترویج و تحقق سیاست خارجی در سطح محلی دارند.

این پژوهش با هدف بررسی نقش نمایندگی‌های داخلی در تحقق سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سطح استان‌ها انجام شده است. به عبارت دیگر، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که تا چه اندازه و چگونه این نمایندگی‌ها می‌توانند در ترویج سیاست خارجی و جلب مشارکت عمومی در استان‌ها نقش آفرینی کنند. فرضیه اصلی پژوهش بر این مبنی است که نمایندگی‌های داخلی با افزایش تعاملات بین‌المللی استان‌ها و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، می‌توانند در تحقق اهداف سیاست خارجی کشور نقش مؤثری ایفا کنند. با توجه به اهمیت روزافزون پارادایلماسی در ایران و کمبود پژوهش‌های جامع در این زمینه، این پژوهش سعی دارد با استفاده از روش ترکیبی توصیفی-تحلیلی و با بررسی منابع مختلف، به درک بهتر و عمیق‌تر از نقش نمایندگی‌های داخلی در تحقق سیاست خارجی کشور کمک کند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند در بهبود عملکرد نمایندگی‌های داخلی، تدوین سیاست‌های کلان دیپلماسی عمومی و افزایش مشارکت شهروندان در سیاست خارجی مؤثر باشد.

## چارچوب نظری

پارادایپلماسی پدیده جدیدی در روابط بین‌الملل است که به نقش آفرینی واحدهای زیرملی در عرصه بین‌الملل اشاره دارد. این عمل، با چالش حاکمیت دولت‌ها که حق انحصاری در روابط خارجی می‌دانند، روبرو است (Wolf, 2007: 1). به این اندازه که امروزه، مشارکت فعال کنش‌گران و بازیگران فروملی در انحاء جهان گسترش یافته است، هنوز هیچ توافقی برای تعیین تعریف دقیق فعالیت خارجی بازیگران فروملی وجود ندارد. از این رو، در کنار مفهوم پارادایپلماسی، واژگان دیگری نیز معرفی شده‌اند که تأثیرگذاری آن‌ها در مسائل بین‌المللی را بررسی می‌کنند، از جمله دیپلماسی موسسان<sup>۱</sup>، میکرو دیپلماسی<sup>۲</sup>، دیپلماسی چند لایه<sup>۳</sup>، پرتو دیپلماسی<sup>۴</sup>، پسا دیپلماسی<sup>۵</sup> و... با این حال، هیچ کدام از این اصطلاحات به طور رسمی تعریف نشده‌اند (Kuznetsov, 2014:25). دولت‌ها باید پارادایپلماسی را فرصتی برای توسعه روابط بین‌الملل بدانند و از آن برای تقویت همکاری‌های بین‌المللی بهره ببرند. نمایندگی‌های داخلی وزارت امور خارجه می‌توانند در این زمینه نقش موثری داشته باشند. به همین دلیل، این تحقیق بر روی پارادایپلماسی تمرکز می‌کند و در ادامه توضیحات بیشتری درباره آن ارائه خواهد شد.

### ۱- مفهوم رهیافت پارادایپلماسی

اولین بار واژه پارادایپلماسی در مقاله البودو کاک به نام بعد بین‌المللی حکومت مردمی محلی در مجله «پابلیوس فدرالیسم» در پاییز ۱۹۸۴ مطرح شد (Kuznetsov, 2014: 26-27). در مباحث آکادمیک توسط اندیشمند کانادایی "پانایوتیس سولداتوس" از پیشگامان عرصه مطالعه پارادایپلماسی در سال ۱۹۹۷ در کتاب "دیپلماسی موازی: سیاست خارجی در عصر جهانی شدن" به طور مفصل مطرح شد. که اهمیت این کتاب در ارائه چارچوب نظری برای مطالعه پارادایپلماسی بود (Soldatos, 1990: 45). سپس، نویسنده آمریکایی ایوو دوچاسک این

1. Constituent diplomacy
2. Micro diplomacy
3. Multilayered diplomacy
4. Proto diplomacy
5. Post diplomacy

مفهوم را توسعه بخشید و به یکی از نظریه پردازان عمده در این زمینه تبدیل شد (Duchacek, 1998: 121). به تعبیری دیگر پارادپلماسی به معنای افزایش نقش بازیگران غیردولتی در عرصه بین الملل و توجه به مسائل محلی و منطقه‌ای در کنار مسائل جهانی است (Hocking, 1993: 82). به عبارت دیگر، پارادپلماسی مشارکت دولت‌های غیر مرکزی در روابط بین الملل است. این پدیده شامل انواع شیوه‌ها، از خواهرخواندگی شهرها گرفته تا شبکه‌های فراملیتی، همکاری غیرمتمرکز، و حمایت در اجلاس‌های بین المللی است (Paquin, 2019).

پارادپلماسی به معنای نقش آفرینی مستقل واحدهای زیرملی مانند استان‌ها و شهرها در عرصه بین المللی است. این واحدها برای ارتقای منافع خود، به فعالیت‌هایی مانند ایجاد خانه‌های فرهنگ، پیوستن به شبکه‌های بین المللی و حتی چالش با سیاست خارجی دولت مرکزی می‌پردازند. تمام این فعالیت‌ها در مجموع پارادپلماسی یا دیپلماسی موازی نامیده می‌شود (Carnago, 1999: 67). با این حال، با وجود اهمیت فزاینده پارادپلماسی، دولت مرکزی همچنان تصمیم‌گیرنده نهایی در سیاست خارجی است. استان‌ها در چارچوب تعیین شده توسط دولت مرکزی می‌توانند فعالیت کنند. دولت‌ها باید با مدیریت هوشمندانه پارادپلماسی، از ظرفیت‌های آن بهره‌برداری کرده و تعادل بین تمرکزگرایی و تمرکززدایی را حفظ کنند.

### ۱-۲ ابعاد پارادپلماسی

پارادپلماسی مفهومی پیچیده و گسترده است که در این متن به ۱۱ بُعد از آن اشاره شده است. درک کامل پارادپلماسی نیازمند بررسی دقیق این ابعاد و روابط بین آن‌ها است. با توجه به این ابعاد، می‌توان یک جدول به صورت زیر برای تحلیل پارادپلماسی طراحی کرد.

جدول ۱: ابعاد پارادپلماسی

ابعاد	سطوح	بازیگران	تمرکز موضوعی
-------	------	----------	--------------

قوانین و مقررات بین‌المللی، صلاحیت‌های دولت‌ها	دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌ها، افراد	محلی، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی	قانونی
ساختارهای فدرال، روابط بین سطوح مختلف دولت	دولت‌ها، سازمان‌های فدرال، احزاب سیاسی	محلی، ملی	فدرالیسم
هویت ملی، زبان، فرهنگ	دولت‌ها، احزاب سیاسی، گروه‌های اجتماعی	محلی، ملی، منطقه‌ای	ملی‌گرایی
صلح و امنیت، توسعه پایدار، حقوق بشر	دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌ها، افراد	محلی، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی	روابط بین‌الملل
مرزها، هویت‌های مرزی، همکاری‌های مرزی	دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، جوامع محلی	محلی، منطقه‌ای	مطالعات مرزی
تجارت، سرمایه‌گذاری، مهاجرت	دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌ها، افراد	محلی، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی	جهانی‌شدن
امنیتی، جغرافیای سیاسی	دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، گروه‌های مسلح	محلی، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی	امنیتی-ژئوپلیتیکی
بررسی چگونگی تأثیر پارادایم‌های بر تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی	دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چند ملیتی، اتاق‌های بازرگانی، و ...	توسعه تجارت و اقتصاد جهانی	بُعد اقتصاد جهانی
بررسی تأثیر دولت محلی بر استانداردها و رژیم‌های محیط‌زیستی بین‌المللی	دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی (NGO)، فعالان محیط‌زیست،	بین‌المللی، ملی، محلی	بُعد محیطی
بررسی تأثیر دیپلماسی محلی جدید بر دیپلماسی دولت مرکزی کلاسیک	دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، دیپلمات‌ها، دانشگاهیان، و ...	بین‌المللی، ملی، محلی	بُعد دیپلماسی
دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، گروه‌های جدایی‌طلب، احزاب سیاسی،	تأثیر پارادایم‌های بر تنش‌های جدایی‌طلبانه، مذاکرات صلح،	بررسی بعد جدایی‌طلبانه جدید و مهم پارادایم‌های	بُعد جدایی‌گرایی

(Kuznetsov, 2014: 50-51)

### دلایل افزایش پارادایم‌های سیاسی

پارادایم‌های سیاسی تحت تأثیر متقابل عوامل داخلی و خارجی شکل می‌گیرد. عوامل خارجی مانند جهانی‌شدن و منطقه‌ای‌شدن، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای دولت‌ها ایجاد می‌کنند. در عین حال، عوامل داخلی همچون مرکززدایی، مشکلات ملت‌سازی و فشارهای خارجی نیز بر شکل‌گیری و اجرای سیاست‌های پارادایم‌تیک تأثیر گذارند. بررسی این عوامل به درک بهتر پیچیدگی‌های پارادایم‌های سیاسی و نقش آن در روابط بین‌الملل کمک شایانی می‌کند.

در ادامه به بررسی هر یک از این دسته‌ها و تحلیل نقش آنها در سیاست خارجی کشورها در جدول زیر می‌پردازیم:

### جدول ۲: دلایل داخلی و خارجی افزایش پارادایم‌های سیاسی

دسته بندی	دلایل	توضیحات	تأثیر بر سیاست خارجی
دلایل خارجی	جهانی شدن	افزایش وابستگی متقابل و همبستگی بین کشورها در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی.	ضرورت همکاری بین المللی، حضور بازیگران جدید، تغییر ماهیت روابط بین دولت‌ها.
	منطقه‌ای شدن	افزایش تعاملات و همکاری بین کشورها در یک منطقه خاص.	ظهور سازمان‌های منطقه‌ای قدرتمند، تمرکز بر مسائل منطقه‌ای، کاهش اهمیت دولت-ملت به عنوان تنها بازیگر، و افزایش قدرت بازیگران منطقه‌ای.
	دموکراتیک شدن	گسترش نظام‌های دموکراتیک در سراسر جهان.	افزایش مشارکت مردم در سیاست، افزایش تقاضا برای پاسخگویی دولت‌ها، فشار برای اتخاذ سیاست خارجی صلح آمیز و دیپلماتیک، و توجه بیشتر به حقوق بشر و دموکراسی در روابط خارجی.
	بومی کردن سیاست خارجی و درونی کردن سیاست‌های داخلی	توجه بیشتر به هویت، فرهنگ و ارزش‌های محلی در سیاست خارجی و داخلی کشورها.	افزایش تنوع در سیاست خارجی، کاهش نفوذ قدرت‌های غربی، و افزایش تمرکز بر مسائل داخلی.
دلایل داخلی	مرکز زدایی و شکل‌گیری کشورهای متحد	واگذاری قدرت از دولت مرکزی به واحدهای محلی یا منطقه‌ای.	افزایش نقش واحدهای محلی و منطقه‌ای در سیاست خارجی، افزایش تنوع در سیاست خارجی، و کاهش قدرت دولت مرکزی.
	مشکلات روند ملت‌سازی	چالش‌هایی مانند جدایی‌طلبی، قومیت‌گرایی و چندپارگی هویتی.	افزایش تنش و بی‌ثباتی، افزایش مداخله خارجی، و کاهش تمرکز بر مسائل خارجی.
	تأثیرات نامناسب دولت مرکزی بر روابط خارجی	روابط ضعیف با دیگر کشورها به دلیل ناکارآمدی، فساد یا سرکوب.	انزوای در عرصه بین‌الملل، افزایش تنش و بی‌ثباتی، و کاهش نفوذ در عرصه بین‌الملل.
	عدم تقارن در نهادهای تشکیل دهنده	نهادهای ضعیف یا ناکارآمد.	کاهش قدرت چانه‌زنی در مذاکرات بین‌المللی، افزایش وابستگی به قدرت‌های خارجی، و کاهش نفوذ در عرصه بین‌الملل.
	محرک بیرونی خارجی	فشارهای خارجی مانند تهدیدات امنیتی یا فرصت‌های اقتصادی.	افزایش تنش و بی‌ثباتی، تغییر در ائتلاف‌های بین‌المللی، و بازنگری در سیاست‌های دفاعی و امنیتی.
	نقش حزب/ رهبر منطقه‌ای	نقش حزب سیاسی رهبر منطقه‌ای	شدت درگیری‌های محلی در امور بین‌الملل، مانع فعالیت‌های بین‌المللی در نهادهای سازمانی، اثرات حکمرانی محلی بر ابعاد منطقه و شناسایی خود
	نقش مرزها	جغرافیا و فرصت‌های جدید در دنیای مدرن	معناها و مقصدهای جدید، جدایی با اتصال مردم ملت‌های مختلف، فرصت‌های مهم برای همسایگان خارجی

رجوع شود به: (پور حسن، خالقی پور، ۱۳۹۶)

## لایه‌های پارادپلماسی

بسیاری از پژوهشگران حوزه پارادپلماسی بر لایه‌بندی این مفهوم تاکید دارند. کارتنسو، یکی از شناخته‌شده‌ترین نظریه پردازان این حوزه، پارادپلماسی را به سه لایه اصلی اقتصادی فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی تقسیم می‌کند:

**سطح اول اقتصادی و تجاری؛** در این سطح، دولت‌ها به منظور جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و توسعه صادرات، روابط بین‌المللی را تقویت می‌کنند. این اقدامات شامل ایجاد شرایط ملایم برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی، توافقنامه‌های تجاری، و ایجاد بازارهای جدید برای صادرات محصولات داخلی می‌شود.

**سطح دوم فرهنگی و اجتماعی؛** در این سطح، همکاری‌های فرهنگی و اجتماعی متعددی صورت می‌گیرد. این شامل برنامه‌های آموزشی، فرهنگی، فنی، و تکنولوژیکی می‌شود. علاوه بر این، برخی مناطق به تبادل فرهنگی و همکاری با دیاسپورا توجه ویژه‌ای می‌کنند. این تعاملات می‌توانند به عنوان ابزاری برای ارتقاء تمایزهای فرهنگی و اقتصادی به کار روند (دهشیری، ۱۳۹۲: ۳۷-۳۹).

**سطح سوم سیاسی؛** در این سطح، عوامل جغرافیایی، موقعیت مکانی، و علاقه‌های سیاسی به تأثیر می‌پذیرند. همسایگی جغرافیایی و ارتباطات سیاسی منطقه‌ای می‌توانند تأثیر بسزایی در سیاست‌های بین‌المللی داشته باشند (ساعی و دیگران، ۱۳۹۹).

از موارد مهم دیگر در مبحث پارادایلماسی، وجود زمینه‌های قانونی پارادایلماسی در کشورهاست که بایستی در قانون مشخص شود چه اختیاراتی به واحدهای فروملی واگذار گردد چرا که در صورت عدم تعریف در قانون اساسی ممکن است کنشگران فروملی هیچ میلی به انجام اینگونه روابط نداشته باشند. پارادایلماسی در صورتی می‌تواند در افزایش قدرت ملی یک کشور مؤثر باشد که به صورت رسمی و از طرف دولت و دیگر ارگانهای دولتی به رسمیت شناخته شود (Kuznetsov, 2015: 108-110). بر این اساس پارادایلماسی با تلفیق لایه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به تقویت قدرت نرم و همکاری‌های بین‌المللی کمک می‌کند. نمایندگی‌های داخلی وزارت امور خارجه با استفاده از این رویکرد می‌توانند اهداف سیاست خارجی را تحقق بخشند.

## وزارت امور خارجه

وزارت امور خارجه مسئول اجرای سیاست خارجی و تقویت امنیت ملی و منافع جمهوری اسلامی ایران از طریق توسعه روابط بین‌المللی، استفاده از فرصت‌های اقتصادی و گسترش



گفتمان عدالت خواهی است. وظایف اصلی این وزارتخانه شامل تعقیب منافع ایران در مناطق هدف، تقویت روابط با کشورهای مسلمان، توسعه تعاملات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تقویت همبستگی اسلامی، تنظیم روابط با کشورهای غیر همسو، حمایت از حقوق مسلمانان و مستضعفان، حضور فعال در سازمان‌های بین‌المللی و تقویت دیپلماسی عمومی و پژوهشی می‌باشد. دستیابی به این اهداف نیازمند کارکنان شایسته با معیارهای علمی است. (حسن بیگی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۴).

### نمایندگی‌های خارجی (سفارت خانه‌ها).

بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی و توافقی که بین دولت‌ها صورت گرفته است، سفارت و سفیر یک کشور در کشوری دیگر به ترتیب مانند خود آن کشور و رئیس جمهور آن محسوب می‌شوند و از مصونیت برخوردارند. سفارت‌ها و سفیران ابزار اجرای سیاست‌های خارجی یک کشور در کشورهای دیگر هستند. ایران نیز با بیش از ۱۴۰ نمایندگی دیپلماتیک در سراسر جهان، به دنبال گسترش روابط خود با سایر کشورها است. با این حال، به دلیل برخی ملاحظات سیاسی، روابط دیپلماتیک ایران با برخی کشورها مانند رژیم صهیونیستی و آمریکا با محدودیت‌هایی همراه است. (خیابانی و آقایی، ۱۳۶۶). سفارتخانه‌ها به عنوان نمایندگان رسمی دولت در خارج، وظیفه اجرای سیاست‌های خارجی تعیین شده توسط وزارت امور خارجه را دارند. سفیر به عنوان بالاترین مقام در سفارت، مسئول هماهنگی و اجرای این سیاست‌ها در سطح بین‌المللی است. سیاست‌های راهبردی از مرکز (نظام و حکومت). به وزارت امور خارجه ابلاغ شده و سفارتخانه‌ها و سفیران آن‌ها مسئول اجرای این سیاست‌ها هستند. ارتباط و هماهنگی بین سفارت و وزارت خارجه، مبنای امور اجرایی سیاست خارجی است. جایگاه سفیر در هماهنگی با مدیرکل منطقه‌ای وزارت امور خارجه تعریف می‌شود. (نوروزی، ۱۳۹۶). وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران علاوه بر سفارتخانه‌ها، در برخی استان‌ها نمایندگی‌هایی دایر کرده است. این نمایندگی‌ها، در کنار سفارتخانه‌ها، با تمرکز بر مسائل داخلی و منطقه‌ای، نقش مهمی در تعمیق ارتباطات بین‌المللی ایفا می‌کنند. در ادامه به بررسی دقیق‌تر برخی از این نقش‌ها و اهمیت آن‌ها می‌پردازیم.

## نمایندگی‌های داخلی وزارت امور خارجه در استان‌ها

همانگونه که در بحث قبلی اشاره گردید وزارت امور خارجه ایران برای تقویت روابط بین‌المللی و پیشبرد اهداف ملی، نمایندگی‌هایی را در استان‌ها تأسیس کرده است. این نمایندگی‌ها با تمرکز بر حوزه‌های اقتصادی، ترانزیتی، فرهنگی، سیاسی و کنسولی، نقش مهمی در گسترش ارتباطات با سایر کشورها و تحقق منافع ملی ایران ایفا می‌کنند.

بر اساس روایت بسیاری از مقامات وزارت امور خارجه، وظایف اصلی دفاتر نمایندگی این وزارتخانه در استان‌ها عمدتاً به سه حوزه کلیدی محدود می‌شود: اول، ارائه خدمات کنسولی شامل صدور روادید، رسیدگی به امور اتباع خارجی و سایر امور مرتبط با سفر و اقامت. دوم، همکاری نزدیک با نمایندگی‌های دیپلماتیک دیگر کشورها مستقر در استان‌ها، به‌ویژه سرکنسولگری‌ها، به منظور تسهیل روابط دوجانبه و پیگیری منافع ملی. سوم، اجرای سیاست‌های کلی خارجی مصوب در سطح ملی با تأکید بر تطبیق آن با شرایط و نیازهای هر استان. (اکبری، ۱۳۹۲). در واقع همانطور که مقامات وزارت امور خارجه تأکید کرده‌اند، هدف اصلی از تأسیس نمایندگی‌های این وزارتخانه در استان‌ها، بین‌المللی‌سازی هرچه بیشتر استان‌ها و بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های موجود در هر یک از آن‌ها است. (خبرگزاری ایسنا، ۱۷ مهر ۱۳۹۳). با در نظر گرفتن اهداف اعلام شده توسط مقامات رسمی این وزارت خارجه بین‌المللی‌سازی استان به معنای افزایش تعاملات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی یک استان با سایر کشورها و مناطق است. این امر می‌تواند از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه صادرات، جذب گردشگر خارجی، برگزاری رویدادهای بین‌المللی و... محقق شود بطوری که اهمیت بین‌المللی‌سازی استان‌ها موجب رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال، ارتقای جایگاه بین‌المللی کشور و توسعه فرهنگی می‌شود. از این رو نقش این نمایندگی‌ها با بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در استان‌ها، در اجرای سیاست خارجی و توسعه دیپلماسی عمومی نقش مهمی ایفا می‌کنند. به عنوان مراکزی برای تسهیل و پشتیبانی از فعالیت‌های بین‌المللی در سطح محلی، این نمایندگی‌ها به عنوان پلی بین دولت مرکزی و سطح محلی در تقویت روابط بین‌المللی و ترویج همکاری‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی

فعالیت می کنند. هدف از ایجاد این نمایندگی ها مشخص است، اما وظایف آن ها به صورت دقیق و ساختاریافته تعریف نشده است.

در ادامه، با توجه به تجربیات و مطالعات انجام شده، برخی از وظایف و نقش های این نمایندگی ها در استان ها در جدول زیر ارائه می گردد:

**جدول ۳: نقش و کارکرد نمایندگی های (داخلی). وزارت امور خارجه در استان ها**

دسته بندی	نقش	مخاطبان اصلی	همکاری با نهادها	توضیحات تکمیلی
خدمات کنسولی	تأیید اسناد، پیگیری امور هموطنان ایرانی مقیم خارج از کشور، ارائه خدمات کنسولی به آن ها	اتباع خارجی، ایرانیان مقیم خارج حمایت از شهروندان، مؤسسات، زندانیان خارج از کشور	سفارت خانه ها. نیروی انتظامی، وزارت کشور وزارت تخاصه ها، سازمان های ثبت احوال - نمایندگی های خارج از کشور	کسب خبر و پیگیری پرونده های قضایی اتباع ایرانی، تأیید و کالت نامه و تأیید ترجمه اسناد...
اقتصادی	همکاری با دستگاه های اجرایی استان	سرمایه گذاران خارجی، فعالان اقتصادی داخلی	سازمان سرمایه گذاری، اتاق بازرگانی - نمایندگی های خارج از کشور	جذب سرمایه گذاری خارجی معرفی ظرفیت های اقتصادی
سیاسی	رصد تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جهان، ارائه گزارش های تحلیلی به وزارت امور خارجه	ستاد وزارت امور خارجه	ستاد وزارت امور خارجه و سایر دستگاه ها و ارگان های استانی	تحلیل تحولات سیاسی در منطقه و ارائه پیشنهادات
فرهنگی	دیپلماسی عمومی	جامعه بین المللی، گردشگران، مراکز علمی و دانشگاهی	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان میراث فرهنگی	هماهنگی جهت برگزاری نمایشگاه صنایع دستی استان ها در خارج از کشور

**نمایندگی های داخلی: تقویت پارادپلماسی ، بهره گیری از مرزهای چهارگانه**  
 در دهه های اخیر، با افزایش پیچیدگی مسائل جهانی و افزایش انتظارات مردم، روند تفویض اختیار به **نهادهای** محلی در بسیاری از کشورها شتاب گرفته است. این روند در حوزه روابط بین الملل به پدیده ای به نام پارادپلماسی منجر شده که در آن نهادهای زیرملی مانند استان ها، فعالانه در روابط خارجی کشور مشارکت می کنند. نمایندگی های استانی وزارت امور خارجه ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و شناخت دقیق از شرایط محلی، می توانند نقش

مهمی در تقویت دیپلماسی ایران ایفا کنند. با بهره‌گیری از ظرفیت‌های این نمایندگی‌ها و هماهنگی با سایر دستگاه‌های اجرایی، می‌توان به بهبود روابط با کشورهای همسایه، افزایش تعاملات بین‌المللی و توسعه اقتصادی کشور کمک شایانی کرد. جمهوری اسلامی ایران با موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد، تنوع فرهنگی و ظرفیت‌های اقتصادی قابل توجه، در جایگاهی ایده‌آل برای ایفای نقش فعال در عرصه دیپلماسی بین‌المللی قرار دارد. نمایندگی‌های استانی می‌توانند با اتخاذ رویکردی متناسب با هر منطقه، به طور مؤثر با کنشگران فروملی و بین‌المللی ارتباط برقرار کنند و از فرصت‌های موجود در مرزهای گسترده کشور بهره‌مند شوند. توسعه پارادایم‌های دیپلماسی از طریق نمایندگی‌های استانی، حضور و نفوذ ایران در عرصه بین‌المللی را افزایش داده و قدرت ملی کشور را ارتقا می‌دهد. مرزهای ایران دارای ظرفیت‌های جغرافیایی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی هستند که برای تقویت روابط پارادایماتیک قابل بهره‌برداری است. در ادامه به این ظرفیت‌ها پرداخته می‌شود.

### ۱- پتانسیل پارادایماتیک مرزهای جمهوری اسلامی ایران

مرزهای یک کشور صرفاً خطوط جداکننده نیستند، بلکه پل ارتباطی با جهان خارج و فرصتی برای تعاملات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هستند. جمهوری اسلامی ایران با داشتن مرزهای طولانی در شمال، جنوب، شرق و غرب، از پتانسیل‌های پارادایماتیک بسیار بالایی برخوردار است. در این مقاله، به بررسی ابعاد مختلف پتانسیل پارادایماتیک مرزهای ایران پرداخته خواهد شد.

### جدول ۴: پتانسیل پارادایماتیک مرزهای جمهوری اسلامی ایران

جهت	مرز	(طول مرز) کیلومتر	رودخانه‌ها	جزایر	بنادر	ویژگی‌های جغرافیایی مهم
شمال	قفقاز، دریای خزر، آسیای مرکزی، ترکمنستان	2670	ارس، بالهرود، آستارا، اترک، سومبار	34	آستارا، بندرعباس	موقعیت مناسب برای اتصال به کشورهای مختلف، منابع متعدد، سواحل خزر، خلیج فارس، تمرکز توجه جهانی، رقابت‌های منطقه‌ای، مسیر صدور نفت و گاز، مسائل حقوقی دریای خزر، مسائل زیست محیطی، نظامی شدن دریای خزر

بنادر، جزایر، رودخانه‌ها، تنگه هرمز، جزیره هرمز، ذخایر نفتی و گازی، بنادر مهم، جزایر قشم، کیش، خارگ	بندرعباس، بندر بوشهر، شارجه، ابوظبی، دویی	34	اروند، کارون، جراحی، مند، دالکی، میناب	1260	خلیج فارس، عمان	عمان
رودخانه هیرمند، دریاچه هامون، بندر چابهار، مناطق آزاد، دسترسی به هند	بندر چابهار	-	هیرمند، هامون	988.24 (664.13 خشکی، ۳۳۴،۱۱ آبی)	افغانستان، پاکستان	افغانستان، پاکستان
کوه‌های زاگرس، رودخانه ارس، ارتباط با کشورهای همسایه، استان‌های کرمانشاه، ایلام، کردستان	-	-	ارس، قره‌سو	1609 + 564 (خشکی + آبی)	ترکیه، عراق	ترکیه، عراق

### ۱-۱ پتانسیل جغرافیایی مرزهای جمهوری اسلامی ایران

ایران با برخورداری از مرزهای طولانی زمینی و دریایی در چهار جهت جغرافیایی، از موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای برخوردار است. این موقعیت نه تنها چالش‌هایی را برای کشور ایجاد می‌کند، بلکه فرصت‌های بی‌نظیری را نیز در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در زمینه پارادایلماسی فراهم می‌آورد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

#### ۱-۱-۱- پتانسیل جغرافیایی مرزهای شمالی

مرزهای شمال کشور ایران به سه قسمت قفقاز، مرز آبی دریای خزر، مرزهای آسیای مرکزی و ترکمنستان تقسیم می‌شوند که مرزهای شمالی در عهدنامه‌های گلستان ۱۱۹۱ ه.ش و ترکمنچای در ۱۲۰۶ ه.ش زمان قاجار مشخص گردیده است. (حافظنیا، ۱۳۸۲: ۳۱۱). در ایران نام شمال و تصور مرزهای شمال با دریای خزر گره خورده است. گرچه منطقه خزر با مفهوم جغرافیایی کلمه در برگیرنده ۵ کشور ساحلی دریای خزر است. ولی ژئوپولیتیک آنرا نمی‌توان و نباید از منطقه وسیع آسیای مرکزی و قفقاز جدا ساخت. در شمال، قفقاز منطقه‌ای است که در جنوب غرب روسیه واقع شده است. از نظر موقعیت نسبت به آسیا در جنوب غربی این قاره و نسبت به اروپا در جنوب شرقی این قاره است و در همسایگی شمال غرب ایران است. (سلیمانی و باقیان زارچی، ۱۳۸۸: ۱۲۶). در این منطقه که از شرق به مرزهای چین و از غرب به دریای سیاه متصل می‌گردد روسیه و ایران دو قدرت منطقه‌ای محسوب می‌شوند و به همین دلیل نقش آنها در امور منطقه حائز اهمیت است. پس از تحولات ژئوپولیتیک این منطقه و افزایش بازیگران مسائل زیر در این منطقه

اهمیت ویژه‌ای یافت، تمرکز توجه جهانی و نفوذ جهانی، ظهور رقابت‌های منطقه‌ای، مسیرهای صدور نفت و گاز، ایهام حقوقی دریای خزر، مسائل زیست محیطی و ژئواکولوژیک، مسائل نظامی شدن دریای خزر. (پیشگاهی فرد و احمدی دهکاء، ۱۳۸۹: ۷-۸). با واقع شدن ایران در این منطقه و دارا بودن اشتراکات مرزی طول مرزهای شمالی ایران جمعاً دوهزار و ۶۷۰ کیلومتر و به قرار زیر است؛ کرانه‌های ساحلی ایران از دهانه رودخانه آستارا تا خلیج حسینقلی در دریای مازندران: ۶۵۷ کیلومتر، مرز خشکی با آذربایجان و ارمنستان: ۱۷۵ کیلومتر، مرز رودخانه ارس: ۴۷۵ کیلومتر مرز با قفقاز، مرز رودخانه بالهارود: ۱۲۲ کیلومتر، مرز رودخانه آستارا: ۳۵ کیلومتر، مرز رودخانه اترک: ۱۹۵ کیلومتر، مرز رودخانه سومبار: ۴۶ کیلومتر مرز با ترکمنستان، مرز رودخانه تجن: ۱۶۷ کیلومتر مرز با ترکمنستان، مرز خشکی با ترکمنستان: ۷۹۸ کیلومتر. (رضایی و کشور دوست، ۱۳۸۹: ۴-۵). با توجه به بررسی‌های انجام شده، می‌توان گفت موقعیت جغرافیایی شمال ایران به گونه‌ای است که ارتباط با کشورهای همسایه نظیر ارمنستان، ترکمنستان، آذربایجان و سایر مناطق شمالی خزر را تسهیل می‌کند. سواحل خزر نیز به عنوان منابع متعدد ارتباط با سایر کشورها عمل می‌کنند. نمایندگی‌های وزارت امور خارجه مستقر در این مناطق به عنوان ستون‌های اصلی سیاست خارجی ایران در منطقه، نقش کلیدی ایفا می‌کنند. این نمایندگی‌ها با استفاده از ظرفیت‌های مرزی و تعامل با همسایگان، به تحقق اهداف دیپلماسی و منافع ملی کشور کمک شایانی می‌نمایند.

### ۱-۱-۲- پتانسیل جغرافیایی مرزهای جنوب

جمهوری اسلامی ایران در جنوب با توجه به وجود دو دریای خلیج فارس و عمان و با دیگر کشورهای واقع در این محدوده دارای مرزهای رودخانه‌های و آبی مشترک می‌باشد. جایگاه و نقش استراتژیک خاورمیانه را با توجه به گفته‌های «بوردیس فون لوهازن»، ژنرال بازنشسته ارتش اتریش، بهتر می‌توان درک کرد. او اعتقاد دارد که خاورمیانه مرکز دنیای قدیم است. کشورهای ایران، عمان، عراق، عربستان، کویت، امارات، قطر و بحرین در

حاشیه این دریا قرار دارند. مرکزی که در دل آن، منطقه خلیج فارس قرار دارد و به منزله «مرکز مرکز» شناخته می‌شود. (کاظمی، ۱۳۸۲). خلیج فارس توسط تنگه هرمز به دریای عمان و از طریق آن به دریاهای آزاد مرتبط است. این خلیج در واقع شاخه شمال غربی اقیانوس هند است که به واسطه دریای عمان به اقیانوس هند مرتبط شده است. خلیج فارس دارای ۹۰ جزیره است که ۳۴ جزیره آن متعلق به ایران است. (هداوند میرزایی و رجبی، ۱۳۹۳: ۱۰۱). این منطقه مسیر انتقال معادن موجود (به خصوص نفت) به کشورهای چو کویت، عربستان و امارات متحده عربی است به همین دلیل منطقه‌ای راهبردی و مهم به شمار می‌آید. از سویی دیگر بنادرهای مهمی در خلیج فارس وجود دارد که از آنها می‌توان بندرعباس، بندر بوشهر، شارجه، ابوظبی و دویی را نام برد. (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳). همچنین جزیره هرمز واقع در تنگه هرمز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به عنوان یک مرکز و قطب تجاری و اقتصادی (در مرزهای مختلف) می‌باشد. (اسدی، ۱۳۹۰: ۷-۱۵). ضلع شمالی آن را سواحل ایران دربر گرفته که طول این کرانه‌های ایرانی از بندرعباس تا دهانه اروندرود یک هزار و ۲۶۰ کیلومتر است. بعد از عربستان ایران در رتبه دوم ذخایر نفتی قرار دارد و از نظر گازی هم ایران دومین تولید کننده گاز بعد از روسیه است.

جزایر مختلف مرزهای جنوبی ایران در استان‌هایی مانند خوزستان، بوشهر، هرمزگان واقع شده‌اند. در استان هرمزگان جزایر: جزیره کیش، جزیره قشم، جزیره هرمز، جزیره تنب بزرگ، جزیره تنب کوچک، جزیره ابوموسی، جزیره لاوان، قرار دارند از دیگر جزایر می‌توان جزایری همچون: جزیره خارک، جزیره خارکو، جزیره عباسک، جزیره میر مهنا را در استان بوشهر ذکر کرد. همچنین در استان خوزستان جزیره خور موسی - جزیره بونه، جزیره دارا و ... قرار دارند و از بنادر دیگر این ناحیه بندرعباس بسیار نقش آفرین است که در شمال تنگه هرمز قرار دارد و مرکز استان هرمزگان است. این سرزمین گرم دارای راه‌های ارتباطی بین‌المللی مهمی است که به لحاظ دربر گرفتن تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین و استراتژیک‌ترین مناطق ایران و جهان به شمار می‌رود. از سویی دیگر رودخانه‌های واقع در

شهرهای جنوبی مانند اروند، کارون، جراحی، مند، دالکی و میناب بزرگترین و پرآب‌ترین رودخانه‌هایی هستند که به خلیج فارس می‌ریزند. (کاظمی، ۱۳۸۲). بر این اساس نمایندگی‌های داخلی وزارت امور خارجه در استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای جنوب ایران دارای نقش بسیار مهمی هستند. این منطقه با داشتن دو دریای خلیج فارس و عمان و مرزهای آبی مشترک با کشورهای اطراف، از جمله عراق، کویت، عربستان، و امارات، جایگاهی استراتژیک در منطقه خاورمیانه دارد. این نمایندگی‌ها از طریق تبیین و توضیح موقعیت جغرافیایی و اقتصادی منطقه به همراه معرفی ظرفیت‌های اقتصادی و تجاری موجود، ارتباطات بین‌المللی را تقویت می‌کنند.

مناطق ساحلی ایران، از جمله استان‌های خوزستان، بوشهر، و هرمزگان، دارای بنادر مهمی هستند که نقش اساسی در تجارت بین‌المللی دارند. این بنادر، از جمله بندرعباس، بندر بوشهر، و بندرهای شمال تنگه هرمز، امکانات لازم برای صادرات و واردات را فراهم می‌کنند. همچنین، جزایر مختلفی مانند جزیره‌های کیش، قشم، هرمز، و ابوموسی دارای ظرفیت‌های گردشگری و اقتصادی بالقوه‌ای هستند که نمایندگی‌ها می‌توانند از آنها بهره‌برداری کنند. علاوه بر این، رودخانه‌های پرآب جنوبی ایران، از جمله رودخانه‌های اروند، کارون، و جراحی، به خلیج فارس می‌ریزند و به عنوان مسیرهای حمل و نقل مهم برای صادرات و واردات استفاده می‌شوند. نمایندگی‌های داخلی می‌توانند با توجه به این منابع طبیعی و اقتصادی، برنامه‌های موثری را برای توسعه همکاری‌های بین‌المللی و تقویت روابط دیپلماتیک مطرح کنند.

### ۱-۱-۳- پتانسیل جغرافیایی مرزهای شرقی

جمهوری اسلامی ایران در قسمت شرقی سرزمین خود دارای مرزهای مشترکی با دو کشور افغانستان و پاکستان می‌باشد. افغانستان متشکل از سه گروه انسانی بزرگ: هزاره، تاجیک، پشتون (افغان) است. در این جناح شرقی ایران از نظر داخلی دستخوش جنگ‌های داخلی است و کشور پاکستان سخت در این ماجرا دخالت دارد. بدون کمترین تردید ادامه جنگ و ناامنی در ورای مرزهای شرقی ایران، خطری بالقوه برای کشور است، چراکه در



بیشتر موارد مرزها جداکننده اقوام نیست، بلکه بیشتر سرزمین‌ها را تقسیم می‌کند (مجتهدزاده ۱۳۷۹: ۳۲۲). در خصوص پاکستان نیز ایران و پاکستان دارای نهمصد و ۲۴/۸ کیلومتر مرز مشترک با پاکستان می‌باشد که ششصد و ۱۳/۴ کیلومتر آن از مرز خشکی و سیصد و ۴/۴ کیلومتر مرز آبی است. این مرز سرانجام با گذر از عرض رودخانه در شرق بندر گواتر به دریای عمان منتهی می‌شود. نحوه شکل‌گیری مرزهای میان ایران و پاکستان را می‌توان زیرکی کامل انگلستان و استفاده از غفلت اولیای امور ایران توسط انگلستان دانست که نهایتاً با دسیسه‌های انگلستان و تقسیم بلوچستان مرزهای ایران و بلوچستان (هند و انگلیس) مشخص شد. (پیشگاهی فرد و میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۲: ۶۷). می‌توان از این قبیل اقدامات در خصوص تعیین مرز میان دو کشور به حکمیت‌های مختلف؛ «مسیردهانه ذوالفقار»، «حکمیت فخرالدین آلتای<sup>۱</sup>» (۱۹۳۵)، «حکمیت گلدسمید<sup>۲</sup>» (۱۸۷۱)، «حکمیت هولدیچ<sup>۳</sup>» (۱۸۹۶)، «حکمیت گلدسمیت و مک ماهون<sup>۴</sup>» (۱۸۷۲) و (۱۹۰۳). اشاره نمود. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲: ۳۲۵-۳۲۷). پاکستان نیز به دلیل نزدیکی جغرافیایی و به دلیل مبادله گسترده بازرگانی و نیروی انسانی علائق ژرفی در این منطقه دارد و برای سال‌ها در تلاش بوده‌است تا از روابط نزدیک با ایران همکاری خود را در منطقه خلیج فارس گسترش دهد. (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۳۳۵). علیرغم تمامی تهدیدات و مشکلات مرزهای شرقی این واقعیت وجود دارد که بتوان از این مرزها در راستای دسترسی به اهداف استفاده کرد و روابط دوستانه‌ای برقرار نمود. در شرق ایران استان‌های مرزی مهمی مانند استان سیستان و بلوچستان واقع در جنوب شرق ایران اسلامی با مساحت صد و هفتاد و سه هزار و ۴۶۱ کیلومتر مربع است. از نظر جمعیتی از کم‌تراکم‌ترین استان‌های کشور است. (عزتی و شکری، ۱۳۹۱: ۵). از ویژگی‌های مهم مرزهای شرق آن است که دو رود هامون و هیرمند و بندر چابهار در این ناحیه است و مرزهای اصلی ایران و افغانستان بر روی شاخه اصلی هیرمند در بخش دلتا قرار دارد. (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۴۱۱). یکی از بزرگترین دریاچه‌های آب شیرین کشور به نام دریاچه هامون نیز در این استان است و تنها منبع آبیاری در سیستان می‌باشد این استان بیش از هزار و ۳۰۰ کیلومتر با دو کشور افغانستان و

پاکستان مرز مشترک دارد همچنین دارای مرز مشترک در رود هیرمند می‌باشد و سالیان درازی مردم این استان با ساکنان این دو کشور دادوستد و رفت و آمد داشته‌اند (میر و میرشکاری، ۱۳۹۱: ۱۴). از موارد مهم جغرافیایی دیگر وجود مناطق آزاد از جمله مناطقی مانند بندر چابهار در این قسمت از کشور می‌باشد. مرز شرقی پاکستان و افغانستان به مثابه پل ارتباطی برای برقراری روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با برخی کشورها (مانند هند). حائز اهمیت هستند. لذا ارتباط استان‌های شرقی با کشورهای همجوار خود اهمیتی فراوان دارد.

در کل نمایندگی‌های داخلی وزارت امور خارجه در ایران، با استفاده از پتانسیل مرزهای مشترک با کشورهای افغانستان و پاکستان در منطقه شرقی کشور، نقش حیاتی در بهره‌گیری از ظرفیت‌های جغرافیایی و اقتصادی این منطقه دارند، از جمله در تعیین مرزها، توسعه همکاری‌های مرزی، ایجاد روابط مؤثر با کشورهای همسایه، و حل و فصل اختلافات مرزی. مناطق مرزی ایران در شرق کشور، به‌ویژه استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی، اهمیت بسیاری از نظر جغرافیایی و اقتصادی دارند، و با مرزهای مشترک با افغانستان و پاکستان، می‌توانند پلی برای تبادلات اقتصادی، تجاری، فرهنگی، و سیاسی با کشورهای همجوار باشند. همچنین، این نمایندگی‌ها می‌توانند در تحقق اهداف ملی کشور ایران کمک کنند، از جمله با تقویت امنیت مرزی و مقابله با تهدیدات امنیتی در این مناطق. در کل، نمایندگی‌های داخلی می‌توانند با فعالیت‌های خود در تعیین مرزها، تقویت ارتباطات مرزی، و ایجاد روابط مؤثر با کشورهای همجوار، به بهره‌برداری از ظرفیت‌های منطقه‌ای شرق ایران کمک کنند و در توسعه روابط خارجی در حوزه‌های مختلف همچنین تحقق منافع ملی ایران سهیم باشند.

### ۱-۱-۶- پتانسیل جغرافیایی مرزهای غربی:

نیمه غربی کشور در بین عرض‌های ۲۹ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۴۹ دقیقه شمالی و طول جغرافیایی ۴۴ درجه و ۳ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۹ دقیقه شرقی قرار دارد. نیمه غربی را می‌توان به سه قسمت؛ منطقه شمال غرب (آذربایجان)، غرب (کرمانشاه،

کردستان، ایلام). و جنوب غرب (خوزستان). تقسیم کرد. که منطقه شمال غرب تا قبل از جنگ جهانی اول با کشورهای عثمانی و روسیه و بعد از جنگ جهانی با کشورهای ترکیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان همجوار گردیده است و همچنین استان‌های کرمانشاه و کردستان و ایلام با کشور عراق هم‌مرز هستند (حنفی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۳). جمهوری اسلامی ایران با همسایه غربی خود عراق از دالامپرداغ تا بندر فاو به طول یک هزار و ۶۰۹ کیلومتر مرز دارد. مرزهای میان ایران و عراق بر اساس عهدنامه‌های مختلفی چون؛ آماسیه، قصر شیرین (۱۶۳۹)، عهدنامه گردان (۱۷۴۵)، ارزروم (۱۸۲۳)، ارزروم دوم (۱۸۴۷ میلادی). (حافظنیا، ۱۳۸۲: ۳۵۳).

همچنان در غرب مرز ایران با ترکیه حدود ۵۶۴ کیلومتر است که از این میزان حدود ۵۳۰ کیلومتر آن را مرز خشکی و ۳۳ کیلومتر آن را مرز آبی در بر گرفته است. (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۰). از استان‌های غربی ایران که دارای مرزهای خشکی و آبی با کشورهای همجوار هستند می‌توان به استان کرمانشاه، استان ایلام و کردستان اشاره نمود. استان کرمانشاه ناحیه‌ای کوهستانی است که بین فلات ایران و جلگه بین‌النهرین واقع شده است و سراسر آن را قله‌ها و ارتفاعات زاگرس پوشانده است. این استان با عراق دارای ۳۴۶ کیلومتر مرز مشترک است که ۱۹۶ کیلومتر آن با کردستان عراق و مابقی با دولت مرکزی عراق است. (عزتی و میرزایی پور، ۱۳۹۰: ۱۹-۲۲). از دیگر استان‌های مرزی غرب، کردستان است. کردستان استانی سرسبز با وسعتی معادل ۲۸۲۰۳ کیلومتر مربع در مجاورت بخش شرقی کشور عراق قرار دارد. این استان واقع در دامنه‌ها و دشت‌های پراکنده سلسله جبال زاگرس میانی، بین ۳۴ درجه و ۴۴ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. (عطایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۳)

یکی دیگر از استان‌های غربی کشور استان ایلام است. این استان در تقسیمات کشوری در سال ۱۳۰۹ جزء استان پنجم یعنی کرمانشاه بوده است، پس از آن در سال ۱۳۴۳ به فرمانداری کل تبدیل شد و در سال ۱۳۵۳ به دلایل سیاسی، مرزی و اداری به صورت یک استان درآمد.

استان ایلام اکنون از طرف جنوب با استان خوزستان، از مشرق نیز با لرستان و قسمتی از خوزستان، از شمال با کرمانشاه و از مغرب با کشور عراق به طول ۴۲۵ کیلومتر هم مرز می‌باشد. (آذرخش، ۱۳۹۴: ۲). منطقه ایلام به غیر از نواحی جنوب غربی آن، مشتمل بر کوهستان‌های بسیار رفیع و در هم تنیده‌ای است که از چین خوردگی‌های متعدد و موازی تشکیل شده است. (ناصری، ۱۳۸۱: ۳۷). بنابراین حاصل اینکه استان‌های غربی نیز بنابر موقعیت ژئوپلیتیکی خود دارای اهمیتی فراوان در برقراری ارتباطات متنوع با کشورهای مرزی و فرامرزی جهت افزایش توان کشور هستند. بر این اساس، نمایندگی‌های داخلی وزارت امور خارجه در ایران می‌توانند نقش بسیار مهمی در بهره‌گیری از ظرفیت‌های جغرافیایی و اقتصادی مناطق مرزی غربی کشور ایفا کنند. این مناطق شامل استان‌های کرمانشاه، ایلام، کردستان دارای پتانسیل‌های جغرافیایی بسیار مهمی هستند که از طریق مرزهای خشک و آبی با کشورهای همجوار، به‌ویژه عراق و ترکیه، متصل هستند. با توجه به تاریخچه مرزنگاری و قراردادهای مختلف با کشورهای همسایه، این نمایندگی‌ها می‌توانند در تعیین مرزها، حفظ امنیت مرزی، و تسهیل تبادلات اقتصادی و فرهنگی مؤثر با کشورهای مجاور نقش بسزایی داشته باشند. همچنین، با توجه به وضعیت جغرافیایی و مرزی این مناطق، نمایندگی‌های داخلی وزارت امور خارجه می‌توانند در تقویت روابط دوجانبه با کشورهای همجوار، از جمله عراق و ترکیه، و تسهیل در تبادلات تجاری، فرهنگی و سیاسی بهره‌مندی ملی ایران را تسهیل و تسریع کنند.

## ۲-۲ پتانسیل‌های فرهنگی مرزهای جمهوری اسلامی ایران

دومین ظرفیت یک کشور در زمینه‌های ایجاد پارادایلماسی از نظر فرهنگی و اجتماعی می‌باشد. امروزه ویژگی‌های فرهنگی جمعیتی مناطق مرزی از قومیت، هویت، زبان و بافت اجتماعی، ویژگی‌های جغرافیایی مناطق مرزی مانند طول و نوع مرز، مجاورت با کانون‌های بحران، مناطق مرزی مورد اختلاف، وجود تاسیسات مهم در منطقه مرزی جایگاه منطقه مرزی از حیث توسعه یافتگی در ابعاد مختلف و در نهایت ویژگی محیط بیرونی

منطقه مرزی، از موارد مهم و قابل طرح و بررسی است در محدوده مناطق مرزی برشمرده می‌شوند. (پیشگامی فرد و میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۰: ۱۱۳). از مهمترین عوامل اثر گذار در مرزها می‌توان به فرهنگ و ارزش‌های آن (هویتی، دینی، زبانی و...) اشاره نمود. به لحاظ انسانی و فرهنگی فضای جغرافیای فلات ایران، ساختار انسانی و فرهنگی خاصی دارد که به وسیله قلمروهای انسانی و فرهنگی ایران در شمال با قلمرو ترک و توران از یک سو و قلمروی روسی، اسلاوی از سوی دیگر؛ در شرق با قلمروی فرهنگ چینی و هندی و در جنوب با قلمروی تمدن عربی و سامی محدود می‌شود. بنابراین ایران هویت فرهنگی و تمدنی خود را در میان قلمروهای فرهنگی و تمدنی پیرامونی حفظ کرده و در سطح گسل و تماس قلمروی ایران با سایر قلمروها، نواحی فرهنگی سنتزی یا ترکیبی پدید آمده است که هویت ترکیبی آنها را خصلت‌های فرهنگی، تمدنی ایران و تمدن مجاور آن تشکیل می‌دهد. (حافظ نیا، ۱۳۸۲: ۱۵). از مهمترین ویژگی مرزهای ایران وجود قومیت‌های متفاوت ساکن در مناطق مرزی می‌باشد. همواره در طول تاریخ اقلیت‌های قومی مذهبی به عنوان ابزار و اهرم فشار برای بازیگران منطقه‌ای و کشورهای هم‌جوار مطرح بوده‌اند، اما اگر بتوان برنامه صحیح و مشخصی را برای اقلیت‌های قومی و مذهبی تدوین نمود، این ابزار به عنوان فرصت‌های بدیع در اختیار آن کشور خواهند بود. با توجه به استقرار بخش مهمی از جمعیت اقوام ایرانی در امتداد مرزهای بین‌المللی، رابطه میان قومیت‌ها و تحولات مرزها به خصوص امنیت مرزها از اهمیت خاصی برخوردار است. زبان فارسی ابزار ارتباط متقابل اکثریت سکنه فلات ایران شناخته می‌شود چنانکه حتی مردمان کشورهای افغانستان و تاجیکستان که در امتداد جغرافیایی فلات ایران قرار دارند به فارسی تکلم می‌کنند. از لحاظ قومیتی نیز ایران برخوردار از پنج قومیت مشخص است که در مناطق مرزی و هم‌جوار با کشورهای هم‌زبان خود یا در کنار دنباله‌های قومی خود واقع شده‌اند. (بررسی سیاست‌های قومی در ایران با تأکید بر امنیت مرزها، هویت ایرانی امروزه متأثر از دوحادثه انقلاب اسلامی و فروریختن نظام جهانی دو قطبی است. هویت ایرانی در حقیقت چتر گسترده‌ای است و هویت‌های محلی قومی مختلفی را در درون خود دارد و

عنصر پیوند دهنده این اقوام است؛ آذری و کرد، لر و بلوچ، خوزی و خراسانی، گیلک و مازندرانی، رازی و پارسی همه مردمانی ایرانی هستند. بخش مرکزی از نظر هویتی اجزاء آن تجانس و پیوستگی بسیاری دارند که در سامان بخشی به هویت ملی ایران نقش مهمی را ایفا می‌کنند. بخش پیرامونی به صورت موزائیکی و گسسته بر گرد بخش مرکزی قرار گرفته است. در واقع فضای امتداد یافته بخش یکپارچه مرکزی مانند ملاط پیوند دهنده اجزای ملت از نظر هویتی عمل می‌کند. (فرهادی، کاظمی، ۱۳۹۲: ۵۷۹-۵۷۶). باتوجه به ویژگی‌های مردم شناسی و زبان شناسی و جامعه شناسی، اقوام و قبایل ایرانی بدینگونه دسته بندی می‌شوند؛ ایلات گوناگون عرب ساکن ناحیه خوزستان، طایفه عرب فارس (از جمله ایلات خمسه فارس)، ایلات عرب ساکن نواحی خراسان (ایل تیموری). عرب خانه و عرب میش مست که در نواحی ورامین، لرستان و سایر نقاط ایران ساکن هستند. (احمدپور و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۴-۴۶)

از دیگر خصیصه‌های فرهنگی هر ملتی دین آن ملت است که در خصوص دین نیز باید بیان داشت که دین رسمی ۹۰ درصد از مرزهای ایران دین اسلام می‌باشد. در این راستا شایان توجه است که اسلام از سوی خود ایرانیان به ویژه در روزگاران سلجوقیان و غزنویان در سراسر سرزمین‌های ماورای خاور ایران گسترش یافت. ایران اسلامی بر بنیادهای اسلامی و بر اساس جلوه‌هایی از مفاهیم ایرانی تشیع استوار است. (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۱۰۹-۱۱۲). تنوع مذهبی و قومی در مناطق مرزی ایران بسیار چشمگیر است. در این مناطق، شیعه و سنی در کنار هم زندگی می‌کنند و اقلیت‌های مذهبی مانند مسیحیان نیز حضور دارند. این تنوع فرهنگی، فرصت مناسبی برای وزارت امور خارجه فراهم کرده تا با تقویت نقش نمایندگی‌های استانی، روابط فرهنگی با کشورهای همسایه را گسترش دهد. مناطق مرزی ایران با ترکیبی از فرهنگ‌های ایرانی و همسایه، به عنوان پل‌های ارتباطی عمل می‌کنند و امکان ایجاد همکاری‌های فرهنگی و اجتماعی را فراهم می‌آورند. به عنوان مثال، اقوام مشترک در مناطق مرزی با کشورهای همسایه می‌توانند از طریق برنامه‌های فرهنگی، روابط خود را تقویت کرده و به توسعه همکاری‌های منطقه‌ای کمک کنند. در نهایت،

نماینده‌گی‌های داخلی وزارت امور خارجه باید نقش فعال‌تری در ترویج و تقویت پارادایلماسی فرهنگی و اجتماعی ایفا کنند. این نمایندگی‌ها می‌توانند به عنوان پل ارتباطی میان دولت مرکزی و مناطق مرزی عمل کنند و با ایجاد برنامه‌ها و پروژه‌های فرهنگی مشترک، به تقویت پیوندهای اجتماعی و فرهنگی میان مردم ایران و همسایگان‌شان کمک کنند. از همین جهت به ترتیب مرزهای چهارگانه ایران از حیث ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی همچون دین، زبان و قومیت مورد بررسی قرار می‌گیرد تا نشان داده شود که چه اشتراکاتی را با کشورهای همسایه دارند که منجر به زمینه‌سازی برای ارتباطات عمیق‌تر گردد.

## ۲-۲-۱- ظرفیت فرهنگی، قومیتی، زبانی و مذهبی مرزهای شمال

از دیگر ویژگی‌های مرزهای شمال وجود اقلیت‌های قومی و مذهبی است. در شمال در منطقه قفقاز تنوع قومی در نوع خود بی‌نظیر است و درست به همین دلیل است که از این منطقه با نام موزاییک اقوام یاد می‌کنند. حضور ادیان مختلفی چون؛ اسلام، مسیحیت و یهود و ویژگی دیگر فرهنگی منطقه است که با سرزمین‌های فرامرزی خود مشترک می‌باشند. (سلیمانی و باقیان زارچی، ۱۳۸۸: ۱۲۱-۱۳۱). در شمال ایران اکثر اقلیت قومی ترکمن وجود دارد. زبان این اقلیت ترکی و از لحاظ مذهب نه تنها ترکمن‌های ایران و بلکه سایر ملت‌های آسیای مرکزی مسلمان اهل سنت و حنفی مذهب هستند. ترکمن‌های ایران در بخش شمالی، استان گلستان و ناحیه‌ای کوچک از شمال غربی خراسان یعنی شهرهای گنبد، بندر ترکمن، مراوه تپه و جرگلان بجنورد استقرار دارند. قلمرو فضایی قوم ترکمن از این منطقه واقع در شرق دریای مازندران آغاز شده و به سمت آسیای مرکزی گسترش و امتداد پیدا می‌کنند. (گوگلان، ۱۳۹۲: ۱۰۰). ترکمن‌های ایران را به سه ایل تقسیم کرده‌اند؛ ۱- ایل یموت، بزرگ‌ترین رده از ترکمن‌های ایران هستند. که سکونتگاه آنها از شرق دریای خزر آغاز شده است و تا گنبد کاووس و شمال مراوه تپه ادامه دارد. ۲- ایل گوکلان: آنها بیشتر در نواحی کوهستانی گرگان از گنبد کاووس تا مناطقی از بجنورد پراکنده‌اند. ۳- ایل تکه: تعداد کمی از تکه‌ها در ایران امروزی سکونت دارند که قلمرو آنها در اطراف

جرگلان است که محدوده آن تا مرز ترکمنستان ادامه می‌یابد. به طور کلی ترکمن‌های ایران بیشتر در استان گلستان و خراسان شمالی پراکنده‌اند. از دیگر قومیت‌های مرزهای شمالی کشور که به طور بارزی در حیطه شمال‌سکنی گزیده‌اند آذریها می‌باشند. آذری‌ها پس از فارس‌ها دومین ترکیب قومیتی ایران هستند که در لهجه و قومیت با اکثریت ملت ایران تفاوت دارند اما در متغیرهای دین، مذهب و زبان رسمی کشور مشترک هستند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۵۹). استان‌های اردبیل، آذربایجان غربی و شرقی عمده آذری‌نشین‌ها هستند. از قومیت‌های دیگر مناطق شمالی می‌توان اقلیت کردها را نام برد. که علاوه بر مناطق کردنشین در مناطق شمال شرقی در استان‌های خراسان شمالی و گلستان، در دامنه‌های البرز واقع در مازندران، گیلان و مناطقی از اردبیل نیز به صورت پراکنده وجود دارند. (پیشگاهی‌فرد، احمدی دهکاء، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۴). در خصوص ملاحظات فرهنگی با دیگر همسایگان فرهنگ مشترک باعث همپیوندی مردمان این منطقه شده است. پس از ایران آذربایجان و دومین کشور شیعی جهان است که حدود ۹۳/۴ درصد از جمعیت آن شیعه هستند و همچنین ۹۰/۶ درصد مردم این کشور زبان آذری دارند بنابراین با توجه به اشتراکات فرهنگی و تاریخی عمیق میان ایران و همسایگان شمالی، به ویژه آذربایجان و ترکمنستان، دیدگاه مثبتی نسبت به ایران در میان مردم این کشورها وجود دارد. نمایندگی‌های استانی وزارت امور خارجه در مناطق مرزی شمالی ایران می‌توانند با استفاده از ظرفیت‌های محلی و تنوع قومی و مذهبی، روابط فرهنگی و اجتماعی را تقویت کنند. این امر به افزایش قدرت ملی ایران و گسترش نفوذ فرهنگی در منطقه کمک شایانی خواهد کرد.

### ۲-۲-۲- ظرفیت فرهنگی، قومیتی، زبانی و مذهبی مرزهای جنوب؛

از نظر قومیت و مذهب، در مرزهای جنوبی ایران، به ویژه در مناطق خوزستان و بندرعباس، قوم عرب بیشترین ساکنان را تشکیل می‌دهند. مهاجرت اعراب به این مناطق پیش از ظهور اسلام آغاز شد و با ظهور اسلام، یک جامعه ویژه در خلیج فارس شکل گرفت که موجب افزایش مبادلات بازرگانی و هم‌آمیزی زبانی و فرهنگی شد. در ایران، عرب‌ها عمدتاً در بخش مرکزی و جنوب غربی استان خوزستان ساکن هستند و دارای تجانس مذهبی و تاریخی



با کشورهای همسایه‌اند. همچنین، باقی‌مانده‌های ایرانی تبار در برخی کرانه‌های جنوبی و مناطق بحرین و حساء وجود دارند. (مجته‌زاده، ۱۳۷۹: ۳۳۵).

از نظر مذهب، خلیج فارس به دو نیمه تقسیم می‌شود: نیمه غربی که تا اقیانوس اطلس گسترش یافته و نیمه شرقی که از کوهستان‌های ایران شروع شده و از طریق پاکستان و بنگلادش به اندونزی و فیلیپین می‌رسد. (کاظمی، ۱۳۸۲). بنابراین همبستگی‌های تاریخی و فرهنگی و اشتراکات دینی در منطقه باعث شده است که جمهوری اسلامی ایران نقش اول را بر عهده داشته و این نقش به‌طور طبیعی به ایران واگذار گردد. نمایندگی‌های داخلی وزارت امور خارجه در مرزهای جنوبی ایران با توجه به تنوع قومیتی و مذهبی، از جمله قوم عرب و مهاجرت‌های تاریخی، نقشی حیاتی در تقویت پارادپلماسی فرهنگی و اجتماعی دارند. این همبستگی‌ها به افزایش مبادلات بازرگانی و درهم‌آمیزی فرهنگی کمک می‌کند. استفاده از این تشابهات برای تقویت روابط و افزایش قدرت ایران می‌تواند به تقویت همبستگی ملی و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه منجر شود.

### ۲-۳- ظرفیت فرهنگی، قومیتی، زبانی و مذهبی مرزهای شرقی

قرارگیری قوم بلوچ در مرزهای مشترک ایران، پاکستان و افغانستان باید به همکاری سه‌جانبه برای کنترل منطقه منجر می‌شد. این همکاری، به ویژه بین ایران و پاکستان، عموماً برقرار بوده است. از نظر تاریخی، ایران نسبت به پاکستان کمتر با چالش‌های امنیتی ناشی از حضور قوم بلوچ مواجه بوده است (کریمی پور، ۱۳۹۷). همچنین با توجه به هم‌مرزی ایران با پاکستان و افغانستان، این کشورها ویژگی‌های فرهنگی مشترک زیادی دارند. سرزمین کنونی پاکستان، که قبلاً سند نامیده می‌شد، در سال ۱۰۰۰ قبل از میلاد مسکن آریایی‌ها بود. در دوره‌های بعد از اسلام، از جمله دوران غزنویان و تیموریان، این روند ادامه یافت و در دوره نادرشاه افشار، در سال ۱۷۹۳، بلوچستان و سرزمین‌های غرب سند به ایران افزوده شد، وضعیتی که تا قرن ۱۹ ادامه داشت. (پیشگاهی فرد و میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۲: ۶۷). نزدیکی فرهنگی و مذهبی ایران و پاکستان، به ویژه در زبان، ادبیات و مذهب، باعث شده تا مردم این دو کشور روابط گرمی داشته باشند. همسایگی و مرز مشترک نیز بر این روابط

افزوده است. اشتراکات فرهنگی، جذابیت ایران برای گردشگران پاکستانی، خصوصاً برای زیارت اماکن مذهبی، را افزایش داده است. این نزدیکی فرهنگی می‌تواند در توسعه روابط تجاری و اقتصادی دو کشور نیز مؤثر باشد. در واقع استقرار قوم بلوچ در مرزهای مشترک ایران، پاکستان و افغانستان به طور طبیعی پتانسیل ایجاد یک تفاهم و هماهنگی سه جانبه برای کنترل استراتژیک منطقه بلوچستان را دارد. با این حال، در عمل، هماهنگی بین ایران و پاکستان در این زمینه تاریخی طولانی‌تر داشته است. از نظر آسیب‌پذیری در برابر تحولات داخلی و خارجی در میان اقوام بلوچ، ایران نسبت به پاکستان در موقعیت بهتری قرار دارد (کریمی‌پور، ۱۳۹۷:۹). نمایندگی‌های داخلی وزارت امور خارجه در شرق کشور می‌توانند با اتخاذ رویکردی جامع و مبتنی بر مشارکت، نقش مؤثری در مدیریت چالش‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در منطقه ایفا کنند. با تقویت همکاری‌های داخلی و بین‌المللی، می‌توان به ایجاد ثبات، امنیت و توسعه پایدار در این منطقه کمک کرد.

## ۲-۲-۴- ظرفیت‌های فرهنگی مرزهای غربی

استان‌های غربی ایران، به دلیل اشتراکات فرهنگی، زبانی، قومیتی و مذهبی، نقش مهمی در برقراری روابط با کشورهای هم‌مرز مانند عراق و ترکیه دارند. قوم کرد، که اکثریت مرزنشینان غربی ایران را تشکیل می‌دهد، با زبان کردی و اشتراکات فرهنگی و زبانی، به تقویت روابط میان این مناطق کمک می‌کند. استان‌های غربی ایران دارای تنوع مذهبی شیعه و سنی هستند و این تنوع مذهبی نیز بر روابط با کشورهای همجوار تأثیرگذار است. به‌ویژه در عراق، مناطق کردستان شامل استان‌های اربیل، سلیمانیه و دهوک، که تحت حمایت احزاب کرد قرار دارند، بخشی از مناطق مورد ادعای کردها محسوب می‌شوند و دولت مرکزی بر این مناطق کنترل محدودی دارد. (احمدی پور و مبارکشاهی، ۱۳۹۳: ۵۵). نمایندگی‌های داخلی وزارت امور خارجه با توجه به ظرفیت‌های بالای استان‌های غربی ایران، می‌توانند با شناسایی و بالفعل کردن این ظرفیت‌ها، به توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی منطقه کمک کنند.

## ۲-۳- ظرفیت‌های اقتصادی مرزهای جمهوری اسلامی ایران

بررسی مرزهای جغرافیایی و فرهنگی ایران نشان می‌دهد که این کشور با قرار گرفتن در موقعیت جغرافیایی حساس، دارای ظرفیت‌های مناسب و متنوع برای ارتقاء جایگاه خود است. ویژگی‌های موقعیتی ایران شامل پیوستگی به موقعیت اوراسیایی، سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان، و داشتن تنگه هرمز، و موقعیت گذرگاهی در شرق، غرب، جنوب و شمال، آن را در موقعیت‌های مهم و تأثیرگذار بر مبادلات جهانی و منطقه‌ای قرار داده است (گل‌وردی، ۱۳۸۹، ۱).

ایران به دلیل وسعت، تنوع آب و هوایی، منابع طبیعی غنی و موقعیت جغرافیایی ویژه، می‌تواند از طریق ایجاد هم‌پیوندی‌های اقتصادی و تجاری با کشورهای منطقه و همسایگان مرزی نقش مثبت و سازنده‌ای در توسعه اقتصادی خود و سایر کشورها ایفا کند. این موقعیت به ایران فرصت‌های متنوع اقتصادی در حوزه‌های انرژی، منابع معدنی و ترانزیت ارائه داده است. با توجه به منابع انسانی و انرژی، ذخایر معدنی و موقعیت جغرافیایی ممتاز، شناخت بازار و رفع موانع از طریق برنامه‌ریزی راهبردی تجاری می‌تواند مؤثر واقع شود. (خوفی، ۱۳۸۷).

لذا با بررسی موقعیت‌های نام‌برده به بیان ظرفیت مرزهای ایران در جهت برقراری روابط اقتصادی می‌پردازیم.

### ۲-۳-۱- ظرفیت‌های اقتصادی مرزهای شمال

جمهوری اسلامی ایران از شمال با دریاچه مازندران (کاسپین) مجاور است که مسیر مناسبی برای حمل و نقل کالا فراهم می‌آورد. صنعت حمل و نقل، به‌ویژه دریانوردی، نقش کلیدی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد و ۹۰ درصد جابجایی بار در جهان از طریق کشتی انجام می‌شود. ایران، با موقعیت راهبردی خود در میان کشورهای حاشیه خزر و آب‌های آزاد، و به‌عنوان ارزان‌ترین مسیر ترانزیتی بین آسیای میانه و دریاهای آزاد، از فرصت‌ها و مزیت‌های قابل توجهی برخوردار است که می‌تواند به گسترش توان اقتصادی کشور کمک کند (گل‌وردی، ۱۳۸۹، ۱). برای مثال شرکت کشتیرانی دریای خزر با ۲۲ فروند کشتی و ظرفیت ۹۳ هزار و ۵۰۰ تن، در حال تردد در دریای خزر است. طبق گفته‌های مدیرعامل این

شرکت، پس از ۲۲ سال فعالیت، اکنون ۳۰ درصد از بازار حمل‌ونقل منطقه خزر را در اختیار دارد و به‌رغم تحریم‌ها، نقش زیادی در تسهیل دسترسی تجار به بازارهای صادراتی و تأمین مواد اولیه صنایع ایفا می‌کند (mehr news.ir)

ظرفیت مهم دیگر گذرگاه انرژی در حوزه دریای خزر و پیامدهای سیاسی و اقتصادی آن است که می‌تواند جایگاه ایران را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای تثبیت کند. ایران می‌تواند روابط چندگانه‌ای با کشورهای همسایه شمالی مانند آذربایجان برقرار کند. برای مثال، سهم ایران از تجارت خارجی آذربایجان در سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ به ترتیب ۳۵٫۸٪ و ۲۴٫۳٪ در صادرات بوده که نشان‌دهنده توان بالای ایران در صادرات به این کشور است. (ذوالقدر، ۱۳۷۸: ۲۹). از طریق استان آذربایجان غربی که با اقداماتی همچون افتتاح مرز رازی، کاپیکوی در سال ۱۳۹۰ که باعث تسهیل ترانزیتی در نتیجه افزایش اقدامات تجاری میان ایران و ترکیه می‌شود. (هفته‌نامه تخصصی امور گمرکی، ۱۳۹۰: ۲). از این منظر استان‌های شمالی ایران، به‌ویژه آذربایجان غربی، با توجه به ظرفیت‌های تجاری و گردشگری، می‌توانند به‌عنوان پل ارتباطی با ترکیه و جمهوری آذربایجان عمل کنند. طبیعت زیبا، روابط بازرگانی و سیاسی موجود با کشورهای همسایه و موقعیت جغرافیایی مناسب، زمینه‌ساز گسترش بیشتر روابط تجاری و گردشگری در این مناطق است. نمایندگی‌های وزارت امور خارجه در این استان‌ها نیز با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها، نقش مهمی در توسعه روابط ایفا می‌کنند.

## ۲-۳-۲- ظرفیت‌های اقتصادی مرزهای جنوب

در جنوب نیز ایران در منطقه خلیج فارس ویژگی‌هایی چون:

- ۱- داشتن بیشترین مرز دریایی
- ۲- شامل بودن کرانه‌های ایران در سراسر کرانه‌های شمالی، شمال باختری و شمال خاوری از دهانه فاو تا کرانه‌های شمال باختری اقیانوس هند
- ۳- حساس‌ترین نقطه استراتژیک در خلیج فارس است که تنها راه ورود و خروج آن را

در اختیار خود دارد

۴- بزرگ‌ترین و منتفذترین کشور منطقه‌ای است که بزرگترین جمعیت منطقه را دارد، ۵- بزرگ‌ترین توان بالقوه سیاسی و استراتژیکی رادار است  
۶- نه تنها فارسی‌زبانان اکثریت قاطع را در این منطقه دارند و مذهب شیعه بزرگترین مذهب اسلام است لذا زندگی سیاسی اقتصادی ایران وابستگی زیادی به خلیج فارس دارد. (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۳۳۹).

در جنوب ایران در منطقه استان هرمزگان از لحاظ کشاورزی پررونق، راه‌های ارتباطی بین‌المللی، اقتصاد پویا، صنایع بزرگ، معادن غنی (نفت، گاز، کرومیک، خاک سرخ) و .... برخوردار است. و به دلیل تنگه هرمز، منطقه‌ای استراتژیکی برای قدرت ایران است. وجود رودخانه‌ها، زیرساخت‌های بندری و ترانزیتی مانند بندر امام خمینی، که نیمی از صادرات غیرنفتی ایران را بر عهده دارد، به بهبود اقتصاد و جذب سرمایه‌گذاری و گردشگری کمک می‌کند. بندر امام خمینی نیز قطب حمل و نقل خلیج فارس و مکانی مناسب برای دسترسی به عراق، کویت و کشورهای آسیایی است. (دبیرخانه ستاد طرح ملی ساماندهی، ۱۳۸۸: ۲-۸).

جنوب ایران با گستردگی کرانه‌هایش در خلیج فارس، بیشترین میادین نفت و گاز را تحت مالکیت دارد. تاکنون ۲۸ میدان نفت و گاز کشف شده که ۲۲ میدان نفتی و ۶ میدان گازی هستند. میدان نفتی درود با ۶,۷ میلیارد بشکه نفت درجا از ارزش فوق‌العاده برخوردار است. بندرعباس با ظرفیت‌های اقتصادی چون معادن آهن و گچ و صادرات فرآورده‌های معدنی، سنگ آهن، فولاد و آلومینیوم به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، نقش مهمی دارد. تجارت با این کشورها در جنوب ایران، در سال ۲۰۰۶، ۱۲,۶ میلیارد دلار همراه با نفت و گاز و ۷,۳ میلیارد دلار بدون نفت و گاز بوده است. جنوب ایران، به دلیل قرارگیری در مسیر تجاری میان شرق و غرب و نزدیکی به دریای خزر و خلیج فارس، اهمیت نظامی و اقتصادی داشته و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، فرصت‌های تجاری بیشتری با همسایگان شمالی و کشورهای منطقه فراهم کرده است (ثاقب و همکاران، ۱۳۸۹-۱۸۰-۲۷۳). از این رو

نمایندگی‌های وزارت امور خارجه در حوزه استان‌های جنوبی با تسهیل روابط تجاری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه زیرساخت‌های تجاری، به رشد اقتصادی مناطق مرزی و تسهیل تجارت غیرنفتی کمک می‌کنند.

### ۲-۳-۳- ظرفیت‌های اقتصادی مرزهای شرقی

علاوه بر شمال و جنوب جمهوری اسلامی در مرزهای شرقی خود دارای ظرفیت بالفعل و بالقوه‌ای در برقراری ارتباطات مختلف با همسایگان خود است. از دید سیاسی استان‌های شرق ایران مانند سیستان دارای قابلیت‌های اقتصادی فراوانی هستند. سیستان گرچه در بخش آسیای مرکزی از فلات ایران واقع شده است اما بیشترین بخش آن به‌عنوان نیمروز در افغانستان واقع شده است و بخش کوچکی از آن در پاکستان قرار دارد. (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۴۱۹).

از سوی دیگر، مرزهای شرقی ایران به‌ویژه سیستان، به دلیل همجواری با افغانستان و پاکستان و دسترسی به آب‌های آزاد، ظرفیت بالایی برای توسعه تجارت و ارتباطات بین‌المللی دارد. این استان به‌عنوان دروازه ایران به آسیای میانه و افغانستان، موقعیت ممتازی برای گسترش مبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم کرده است. نمایندگی‌های استانی وزارت امور خارجه می‌توانند با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها، به تعاملات مؤثر با همسایگان کمک شایانی کنند.

### ۲-۳-۴- ظرفیت‌های اقتصادی مرزهای غربی

در غرب ایران نیز با پررنگ بودن دو مورد زبان و قومیت کردی و در برخی موارد هم‌مذهب سنی از یک‌سو و توان اقتصادی و فرهنگی این منطقه از سوی دیگر می‌تواند دارای کارویژه‌هایی عظیم در جهت برقراری روابط بخصوص روابط اقتصادی با همسایگان خود داشته باشد. ضمن اشاره مختصری به این ظرفیت‌ها در فصل بعدی به تفصیل به این موضوع پرداخته خواهد شد. استان‌های غربی کردستان، کرمانشاه و ایلام همان‌طور

که پیش تر بیان گردید دارای توانایی‌های فرهنگی (اشتراکات قومی، زبانی، مذهبی)، سیاسی، اقتصادی (ترانزیتی و حمل و نقل). در جهت هر چه بیشتر روابط با کشور همجوار عراق است. برای مثال ارزش صادرات به عراق در ۳ ماهه سال ۱۳۹۳ یک میلیون و ۸۴۲ دلار اعلام شده است که سهم ارزشی از کل صادرات ۱۶/۸ درصد است که بسیار حائز اهمیت است. (گزارش عملکرد تجارت خارجی، ۱۳۹۳: ۵). بنابراین نمایندگی‌های وزارت امور خارجه در استان‌های غربی ایران با بهره‌گیری از اشتراکات فرهنگی و موقعیت خاص، به توسعه روابط اقتصادی با عراق، مدیریت مرزها، تقویت امنیت و ایجاد یکپارچگی منطقه‌ای کمک می‌کنند.

### چالش‌ها و راهکارهای ارتقای نقش نمایندگی‌های داخلی (استانی). وزارت امور خارجه

نمایندگی‌های داخلی وزارت امور خارجه با توجه به نقش کلیدی خود در اجرای سیاست‌های خارجی کشور، نیازمند توجه ویژه و حمایت همه‌جانبه هستند. با رفع چالش‌های موجود و اجرای راهکارهای پیشنهادی، می‌توان به افزایش کارایی و اثربخشی این نمایندگی‌ها و تقویت جایگاه کشور در عرصه بین‌المللی کمک شایانی کرد؛ تقسیم‌بندی چالش‌ها به سه دسته ساختاری، کنسولی و محیطی، رویکردی منطقی و کاربردی برای بررسی مشکلات این نمایندگی‌ها است.

در ادامه، به بررسی دقیق‌تر هر دسته از چالش‌ها و ارائه راهکارهای تکمیلی در جدول زیر می‌پردازیم:

جدول ۵: چالش‌ها و راهکارهای تقویت نمایندگی‌های استانی

نوع چالش	چالش‌های خاص	توضیحات	راهکارهای پیشنهادی
ساختاری	اختیارات و محدودیت‌ها	تمرکز قدرت در مرکز، عدم آزادی عمل کافی برای انجام وظایف،	افزایش اختیارات استان‌ها، در چارچوب سیاست‌های کلی کشور- ایجاد تعادل بین مرکز و استان‌ها با ایجاد سازوکارهای نظارتی دقیق و هوشمندانه
	عدم وجود ساختار سازمانی تعریف شده	پراکندگی تلاش‌ها، کاهش کارایی، عدم هماهنگی با سیاست‌های کلان	تدوین سند راهبردی و ایجاد یک ساختار سازمانی مناسب و مشخص

اولویت‌بندی پروژه‌های عمرانی، استفاده از فناوری‌های نوین افزایش بودجه اختصاصی، جذب و به‌کارگیری نیروهای متخصص	محدودیت بودجه کاهش امکانات فیزیکی (ابنیه، تجهیزات). کاهش بهره‌وری کارکنان، کاهش کیفیت خدمات (اقتصادی، فرهنگی و کنسولی...) می‌شود.	محدودیت‌های بودجه‌ای	
برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی برای نیروهای موجود غیر وزارتی، جذب نیروهای متخصص از طریق آزمون‌های تخصصی	نیروی انسانی عمدتاً از دستگاه‌های اجرایی غیر وزارتی تأمین می‌شود که به علت ساختار سازمانی جداگانه، عدم تعریف دقیق وظایف و کمبود مکانیسم‌های ارتباطی با مرکز باعث کاهش کارایی می‌شود.	عدم اولویت‌دهی به آموزش و تربیت نیروهای متخصص،	
برگزاری کارگاه‌های آموزشی، افزایش آگاهی‌رسانی و ترویج فرهنگ پارادایم‌سازی	بسیاری از مدیران و کارشناسان استانی با مفهوم پارادایم‌سازی و ابزارهای آن آشنایی کافی ندارند.	عدم درک کافی از پارادایم‌سازی در سطح استان	مفهومی
ایجاد سیستم‌های ارتباطی مؤثر، برگزاری جلسات هماهنگی منظم و شفاف‌سازی وظایف هر یک از طرفین	هماهنگی ضعیف بین مرکز و استان‌ها در اجرای برنامه‌های دیپلماسی محلی، باعث هدر رفتن منابع و کاهش تأثیرگذاری برنامه‌ها می‌شود	هماهنگی ضعیف نمایندگی‌ها با مرکز	
ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی جامع از فعالیت‌های پارادایم‌سازی استان‌ها، هماهنگی برنامه‌های کاری، اجتناب از موازی‌کاری	صرف هزینه‌های اضافی، اتلاف منابع، کاهش بهره‌وری، تضعیف جایگاه کشور در عرصه بین‌المللی	تکرار موازی‌کاری	مخاطبی
تقویت همکاری‌های بین استانی، تقویت برند ملی، ایجاد یک هویت واحد برای کشور در عرصه بین‌المللی، هماهنگی در تبلیغات و برندینگ	ایجاد تصویر متناقض از کشور در سطح بین‌المللی، کاهش جذابیت برای سرمایه‌گذاران خارجی، تضعیف دیپلماسی اقتصادی کشور	رقابت جزیره‌ای بین استان‌ها تضعیف برند ملی	
ایجاد سازوکارهای شفاف برای تصمیم‌گیری، مشارکت دادن همه ذینفعان در فرآیند تصمیم‌سازی و توجه به منافع ملی	فشارهای گروه‌های ذینفع ممکن است منافع ملی بلندمدت را فدای منافع کوتاه‌مدت گروهی کند.	فشارهای گروه‌های ذینفع	

در مجموع نمایندگی‌های داخلی وزارت امور خارجه، با رفع چالش‌های موجود، به ویژه در استان‌های مرزی، می‌توانند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مرزی و توسعه پارادایم‌سازی، در جذب سرمایه‌گذاری و ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی نقش محوری ایفا کنند.

### نتیجه‌گیری

تحلیل عملکرد نمایندگی‌های داخلی وزارت امور خارجه در تقویت روابط بین‌المللی نشان می‌دهد که این نهادها، علی‌رغم چالش‌هایی همچون محدودیت‌های بودجه‌ای و کمبود نیروی متخصص، ظرفیت بالایی برای توسعه پارادایم‌سازی و بین‌المللی‌سازی استان‌ها دارند. پارادایم‌سازی، به عنوان رویکردی مکمل دیپلماسی رسمی، در سال‌های اخیر به عنوان ابزاری قدرتمند برای تقویت تعاملات بین‌المللی و توسعه همکاری‌های اقتصادی مورد توجه قرار



گرفته است. نمایندگی‌های داخلی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در استان‌ها، می‌توانند نقش مؤثری در عملیاتی کردن این رویکرد ایفا کنند.

استان‌های مرزی به دلیل موقعیت جغرافیایی و ارتباطات تاریخی، پتانسیل ویژه‌ای برای توسعه پارادایلماسی دارند و به عنوان دروازه‌های ورود به کشورهای همسایه، زمینه‌ای مناسب برای توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی فراهم می‌آورند. این استان‌ها می‌توانند با ایجاد ارتباطات قوی با نهادهای محلی، تجاری و مدنی در کشورهای همسایه، به توسعه همکاری‌های مشترک و جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک کنند. با این حال، سایر استان‌ها نیز با بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی خود می‌توانند در زمینه پارادایلماسی فعال باشند. ایجاد شبکه‌های ارتباطی با شهرها و استان‌های دیگر کشورها، برگزاری رویدادهای فرهنگی و اقتصادی، و جذب دانشجویان و محققان خارجی از جمله فعالیت‌هایی است که استان‌های غیرمرزی می‌توانند برای تقویت روابط بین‌المللی خود انجام دهند.

برای تقویت نقش نمایندگی‌ها، ارتقای سطح دانش زبان‌های خارجی کارکنان، افزایش همکاری بین‌بخشی و تخصیص بودجه کافی ضروری است. بی‌شک توسعه پارادایلماسی نیازمند یک رویکرد جامع و هماهنگ در سطح ملی و استانی است. این پژوهش با نشان دادن نقش کلیدی نمایندگی‌های داخلی در تحقق سیاست خارجی، به بهبود کارایی آن‌ها و توسعه پارادایلماسی در کشور کمک شایانی خواهد کرد.

## منابع

- احمدی پور، زهرا، مبارکشاهی، محمود. (۱۳۹۴)، موانع الحاق کرکوک به دولت منطقه‌ای کردستان عراق، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۱(۳۸)، ۳۵-۵۹.
- اکبری، الهام. (۱۳۹۰، ۱۵ اردیبهشت). با حضور معاون وزیر امور خارجه، دفتر نمایندگی وزارت خارجه در کرمانشاه گشایش یافت. دنیای اقتصاد، شماره ۲۳۵۲. قابل دسترس در لینک: <https://www.magiran.com/article/2278739>
- پورحسن، ناصر، خالقی‌نژاد، مریم. (۱۳۹۶). پارادایلماسی، تهران: انتشارات سخنوران.
- پیشگاهی فرد، زهرا، و احمدی دهکاء، فریبرز. (۱۳۸۹). ارزیابی تهدیدات امنیت ملی در مناطق مرزی

شمال ایران. آمایش محیط، ۳(۹)، ۵۳-۷۷.

پیشگاهی‌فرد، زهرا، میرزاده کوهشاهی، مهدی. (۱۳۹۳)، تبیین عوامل مؤثر در بحران زایی و مدیریت مرزهای ایران و پاکستان. نشریه جغرافیا و توسعه، ۱۲(۳۶)، ۶۱-۸۰.

ثاقب، حسن، نادری، اصغر، صادقی‌یارندی، سیف‌الله، قاعدی، مختار. (۱۳۸۹)، قواعد مبدأ در موافقت‌نامه تجارت آزاد بین ایران و شورای همکاری خلیج فارس، تهران: نشر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۲)، مرزهای ایران: تاریخ تحولات و مبانی حقوقی، انتشارات سمت.

مجته‌زاده، پیروز. (۱۳۷۹)، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی: مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده، نشر نی.

حسن بیگی، ابراهیم، سکوت، محمدرضا، پورصادق، ناصر. (۱۳۹۸). مقاله پژوهشی: مدل سنجش کیفیت سیستم بکارگیری منابع انسانی وزارت امور خارجه. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۷(۷۵)، ۲۸۳-۳۱۰.

حیدر لطفی، حمید بقایی، رضا موسوی، خیامباشی، سهیل. (۱۳۸۹)، «محیط‌زیست خلیج فارس و حفاظت از آن، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره اول.

خالدی، حسین، میرزایی، محمدعلی، غلامی، بهادر. (۱۳۹۱)، تبیین پتانسیل‌های ارتباطی سواحل مکران در راستای افزایش وزن ژئوپلیتیکی ایران، اولین همایش ملی توسعه سواحل موکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران ۲۸-۳۰ بهمن‌ماه.

خوفی، منوچهر. (۱۳۸۷)، ویژگی‌های بازار شمال عراق و راه‌های دستیابی به آن، نشر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

خیابانی، غلامرضا، آقایی، بهمن. (۱۳۶۶) .. فرهنگ علوم سیاسی. جلد ۲. نشر وین.

دبیرخانه ستاد طرح ملی ساماندهی، (فروردین ۱۳۸۸). مزیت تجاری و سرمایه‌گذاری منطقه آزاد اروند، سازمان منطقه آزاد اروند.

دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۳). پارادایلماسی در عصر جهانی‌شدن: بررسی موردی دیپلماسی شهری. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۴(۱۳)، ۳۴-۵۴.

ذوالقدر، محمدرضا. (۱۳۷۸)، بررسی بازار مصنوعات چوبی آسیای میانه و قفقاز، تهران: نشر موسسه

مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

رضایی، ایما، کشور دوست، علی‌رضا. (۱۳۹۳). نگاهی بر تحولات ژئوپلیتیکی مرزهای شمالی ایران.

فصلنامه فضای جغرافیایی، ۱(۳۲۸)، ۱۲-۳۵.

ساعی، احمد، خالقی‌نژاد، مریم، نظری، علی‌اشرف، توسلی‌رکن‌آبادی، مجید. (۱۳۹۹). ظرفیت‌های

فرهنگی پارادپلماسی فرامرزی کشورهای حوزه ایران فرهنگی، فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی،

سال پانزدهم، شماره ۴۲.

سعادت، اسفندیار(۱۳۸۸)، مدیریت منابع انسانی، چاپ چهاردهم، تهران، سمت

سلیمانی، غلامعلی، باقیان زارچی، مرتضی. (۱۳۸۸). قفقاز؛ موزائیک اقوام. موسسه مطالعات ایران و

منطقه اوراسیا، سال چهارم، شماره پنجم، ص ۱۲۱-۱۴۰.

عزتی، عزت‌اله، و میرزایی پور، هوشنگ. (۱۳۹۰). بررسی مناطق مرزی استان کرمانشاه با عراق و

نقش آن در اهداف استراتژیک ایران. نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۳(۴)، ۱۹-۳۳.

عطایی، هوشمند، هاشمی‌نسب، سادات، زارعان، مرضیه، و حیدری، ریحانه. (۱۳۹۳). ارزیابی تأثیر

تغییرات روزانه آب‌وهوا بر گردشگری استان کردستان با استفاده از روش PET. اطلاعات

جغرافیایی، ۲۳(۹۰-۹۱) ویژه‌نامه، ۳۲-۴۰.

- قشقای، حسن. (۱۳۹۳، ۱۷ مهر). وظایف نمایندگی‌های وزارت خارجه در استان‌ها، خبرگزاری

ایسنا. قابل‌دسترس در سایت: <https://www.isna.ir/news/93071709854>

کاظمی، علی‌اصغر. (۱۳۸۲). خلیج‌فارس: ژئوپلیتیک، تاریخ و حقوق بین‌الملل. تهران: انتشارات

موسسه مطالعات و پژوهش‌های دریایی.

کریمی پور، ی. (۱۳۹۷). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان: منابع تنش و تهدید. تهران: انتشارات جهاد

دانشگاهی تربیت‌معلم.

گل‌وردی، ع. (۱۳۸۹)، مرزها؛ آسیب و کارکردها، فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری سیاسی، دفاعی

و امنیتی، سال اول، شماره دوم، زمستان، صص ۱۰ تا ۲۶،

نوروزی، عبدالله. (۱۳۹۶). سیاست خارجی راهبردی از وزارت تا سفارت، مروری پرنقش وزارت

خارجه. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (جهانی‌شدن)، ۷(۲۳)، ۱۹۹-۲۰۶.

هداوند میرزایی، محراب، و رجبی، آریتا. (۱۳۹۳). اهمیت ژئوپلیتیکی جزایر ایران در خلیج‌فارس

(مطالعه موردی: جزیره فارسی). نشریه اطلاعات جغرافیایی، ۲۳(۹۱)، ۹۹-۱۰۹.

- Cull, N. J. 2010. Speeding the Strange Death of American Public Diplomacy: The George H. W. Bush Administration and the U.S. Information Agency, *Diplomatic History*. 34 (1): pp. 47–69.
- duchacek, ivo.(1998), perforated sovereign es and interna onal rela ons, trans-sovereign contacts of subnational governments, greenwood press. duchacek, i., the territorial dimension of politics: within, among, and across nations (boulder and london: Westview Press).
- CORNAGO, Noé, “Diplomacy and Paradiplomacy in the Redefinition of International Security: Dimensions of Conflict and Co-operation”, in: \*Keating,Paradiplomacy in Action. London: Frank Cass, 1999.
- Wolf, Stefan. (2007) .Paradiplomacy: Scope, Opportunities and Challenges, *The Bologna Center Journal of International Affairs*, vol.10,pp.1-13
- Kuznetsov, A,Theory And Practice Of Para Diplomacy: Subnational Governments In International Affairs, 2015.
- Murrow, E. R. 1963. Edward R. Murrow Speaks at the 7th Annual Honor Awards Ceremony of USIA. 17 September 1963. Available in: <http://www.jfklibrary.org/Asset-Viewer/Archives/USIAAU-017.aspx>.
- paquin, stephane (2019). paradiplomacy. in balzacq, thierry; charillon, Frédéric; ramel, Frédéric (eds.). *global diplomacy: an introduction to theory and practice*. vol. 1. london: palgrave. pp. 49–61.
- Soldatos, Panayotis, “An Explanatory Framework for the Study of Federated States as Foreign-Policy Actors,” in Hans J. Michelmann, Panayotis Soldatos (eds.), *Federalism and International Relations: The Role of Subnational Units*, Oxford,Oxford Press, 1990, pp. 34–38.
- Cull, N. J. 2008. *Public Diplomacy before Gullion*, *Routledge Handbook of Public Diplomacy*. Nancy Snow and Phillip M. Taylor. London: Taylor & Francis.
- Murrow, E. R. 1963. Edward R. Murrow Speaks at the 7th Annual Honor Awards Ceremony of USIA. 17 September 1963. Available in: <http://www.jfklibrary.org/Asset-Viewer/Archives/USIAAU-017.aspx>.